

## آقای کرزی درس های خود را خوب از بر کرده است!

آیا درگیری دانشجویان دانشگاه کابل بعد از یک مسابقه فوتبال، که منجر به تعطیل شدن تمام دانشگاه های دولتی برای یک ماه در سرتاسر افغانستان شد، صرف به دلیل درگیری بود که بعد از مسابقه یک فوتبال بوجود آمده بود، یا دلایل و برنامه های دیگری هم در عقب این تصمیم گیری وجود دارد؟

طوری که دیده می شود چنین تصمیم گیری ها برای مقامات آموزش عالی کشور تازگی ندارد. این وزارت در سال گذشته هم به دنبال اعتراضات دانشجویان دانشگاه کابل به سیستم آموزشی و برخورد تبعیض آمیز استادان دانشکده ای با دانشجویان، با تصمیمی مشابهی که چند سال قبل از طرف وزارت آموزش عالی اتخاذ شده بود، دانشگاه کابل را تعطیل اعلام نموده دانشجویان آن را به خانه های شان روان کرد؛ ولی این بار، خلاف دفعات قبل، وزارت آموزش عالی تنها دانشگاه کابل، محل درگیری ها را تعطیل نکرد، و تنها دانشجویان این دانشگاه را به خانه های شان نفرستاد، بلکه طوری که یاد شد، همه دانشگاه های دولتی کشور را تعطیل اعلام کرده تمام دانشجویان این دانشگاه ها را به خانه های شان اعزام نمودند؛ آنهم درست در شبی که فردای آن دوشنبه و روز اعلام نتایج ابتدائی دور دوم انتخاباتی که مورد مناقشه قرار گرفته است، و انتظار برافروختگی و هرج و مرج و آشوب در کابل و سائر ولایات برده می شد.

دانشگاه ها به عنوان کانون ها یا مراکز تجمع آگاه ترین، فعال ترین و پاک ترین انسان ها از همه گونه آلودگی ها در کشور، همواره نقش پیشروانه ای در قضایای سیاسی کشور خویش بازی نموده اند؛ و همیشه در برابر بیداد بیدادگرانی که از اقتدار یا از قدرت دولتی سواستفاده نموده و می نمایند، ایستاده و از اعمال ناشایست و غیرعادلانه اولیای امور در کشور خویش انتقاد نموده اند.

چنین موضع گیری از سوی دانشجویان در برابر حکام بیدادگر چیزی نیست که تنها در کشور ما اتفاق افتاده باشد، یا اتفاق بیفتد. تاریخ کشور های استعماری یا کشور های استبدادی شاهد این واقعیت است که هر زمانی که در کشوری بی عدالتی و زور و ظلم و حق تلفی و بی احترامی فراتر از تحمل داخلی یا خارجی نسبت به حق و حقوق مردم صورت گرفته است، اولین فریاد اعتراض از همین کانون ها بلند شده است.

رسوایی دولت کرزی، به عنوان مشوق و حامی یک تعداد انسان های خائن به آرمان های ملت، نه تنها از عکس وی در کنار عکس اشرف غنی در دوران مبارزات انتخاباتی این نامزد ریاست جمهوری هویدا بود، در زمانی که کرزی خود اعلام کرده بود که دولت در برابر کاندید ها بی طرف باقی می ماند، بلکه در تعیین درصد بالای افراد مربوط به تبار اشرف غنی و کرزی در کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات، سکوت اسرارآمیز وی در برابر این همه تقلبی که مورد پذیرش کتله عظیمی از مردم نیست و می تواند آینده کشور را با خطر غیرقابل جبران مواجه کند، سکوت وی در مورد صحبت های تیلیفونی امرخیل با افرادی متعلق به دولت،

با افرادی متعلق به ستاد انتخاباتی اشرف غنی و... برطبق ویدئوها و فایل های صوتی ارائه شده از سوی تیم مخالف اشرف غنی، را شبکه طویل و عریض متقلبینی که در زیر یک چتر کاری - تباری با کرزی قرار دارند، به مشکل می توانند پنهان کنند. و مردم نه برای این که در دفاع از عبدالله عبدالله برخیزند، بلکه برای این که به ارزش حق خود پی برده اند - حال این حق را به جا به کار برده اند یا بی جا، بحث جداگانه ای است - و برای مخالفت با نفس تقلب و ضدیت با پدیده شرم آگین قوم مداری، که باید دیگر در افغانستان جا نداشته باشد، نمی خواهند بیشتر از این اجازه بدهند که باز هم حق و حقوق شان، به مانند سده های گذشته، فدای امیال ضدملی یک گروه یا یک قوم خاص شود.

جنجال های انتخاباتی اخیر، بی آبرو شدن کمیسیون ها، قطع رابطه تیم عبدالله عبدالله با نهاد انتصابی انتخاباتی، برآمدن تعدادی کثیری از مردم به جاده ها در چندین ولایت به عنوان اعتراض به تقلب و ضدیت با حمایت دولت از تقلب های آشکار در انتخابات، برکناری و قصد فرار امرخیل، صحبت های ضد و نقیض رئیس کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات، خود داری دو نفر کمیشنر های کمیسیون رسیدگی به شکایات از بازرسی شکایات مردم، شکایات تیم عبدالله عبدالله و شکایات ده ها مرجع دیگر و... علاوه بر این که کمیسیون ها را ناآرام نموده است، دولت را هم به تشویش انداخته است - اگر چه کرزی با بی مسؤولیتی و خود بینی عجیب و غریب و اطمینانی که از نبود یک مرجع قانونی پرسشگر دارد، خود را به هیچ امری مقید نمی بیند و به هیچ قانونی پایبند نیست.

علت تعطیل کردن 34 دانشگاه دولتی در سراسر کشور هم همین تشویش است. کرزی می خواهد با این کارش، یعنی با دور کردن دانشجویان آگاهی که همواره در امر مبارزه سیاسی علیه دولت های فاسد، قانون گریز، زورگو، دست نشانده و غیرمردمی پیشتاز بوده اند، جنبش اعتراضی مردم را علیه دولت و بر ضد تقلب و متقلبین و حامیان شان ضعیف بسازند.

آن گونه که دیده می شود نه درگیری های دانشجویان تصادفی بوده است و نه تعطیل شدن دانشگاه ها. این ترفند ها، همه، کار کرزی و دار و دسته نیرنگ باز وی هستند، که درس های خود را در دبستان و دبیرستان فتنه خوب از بر نموده اند. تنها چیزی را که کرزی و یارانش، باوجود همه نیرنگ ها، نتوانسته اند پیش بینی کنند، رسوائی ای بود، که در هر قدم از جانب مردم ترصد و ترقب شد؛ رسوائی که شاید برای هفت نسل متقلبین و حامیان شان هم بس باشد!!

یادآوری یک امر لازم:

در جائی از این نوشته من واژه "خائن" را به کار برده ام، زیرا قومگرایی علاوه بر این که مانع همبستگی، یکپارچگی و ملت شدن مردم یک کشور می گردد؛ اگر جلو آن گرفته نشود، با گذشت زمان بالاخره سبب شکایت و دلسردی اقوام دیگر از زیستن در کشوری که از جانب یک قوم به حق و حقوق آن ها احترام گذاشته نمی شود، می گردد. جنگ سوریه، بحران عراق، بحران سال ها و دهه های لبنان، چند پارچه شدن یوگوسلاویا، فروپاشی شوروی، جدا شدن پاکستان شرقی از پاکستان غربی و ده ها مثال و مورد دیگر همه در نتیجه سلطه غیر قابل تحمل و انتخاب شیوه های زورگویانه یک قوم یا یک

مذهب بر اقوام و مذاهب دیگر بوده است. چنین حرکتی توسط هر انسان و هر قومی که صورت بگیرد، در هر کشوری که باشد، به نظر من یک عمل خائنانه پنداشته می شود!